

گفت‌وگو با علیرضا شیخانی رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی استان قم

پسته جان سخت آب می‌خواهد

■ مصاحبه‌کننده: ابوالفضل زارع‌نظری

جشنواره پسته قم در مهرماه ۱۴۰۲ برگزار شد و گزارش کامل این سفر در ماهنامه مهرماه دنیای پسته منتشر گردید. در این رویداد از سوی مسئولین دولتی و فعالین بخش خصوصی این استان وجود ۱۴ هزار هکتار باغ پسته در استان قم که ۸ هزار و ۵۰۰ هکتار از آن بارور است و امسال ۷ هزار و ۵۰۰ تن پسته خشک از این سطح زیر کشت برداشت می‌شود، اطلاع‌رسانی شد. از آنجایی که این آمار با اعداد اعلام شده فعلی از سوی انجمن در مورد پسته‌کاری‌های استان قم که شامل ۴ هزار هکتار باغ پسته بارور و تولید ۱۵۰۰ تن پسته خشک است، اختلاف معناداری دارد، سراغ علیرضا شیخانی باغدار منطقه قم و رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی این استان رفتم. شیخانی که فرد دنیا دیده‌ای است و به اغلب پسته‌کاری‌های دنیا سفر کرده با کوله‌باری از تجربه و با انرژی زیاد در سن ۸۰ سالگی در حال پیگیری مسائل کشاورزی است. وی در این گفت‌وگو سخنان قابل تأملی در خصوص توسعه پسته در ایران و به‌ویژه استان قم دارد.

؟ آقای شیخانی! لطفاً خودتان را معرفی کنید و سابقه کاری‌تان در کشاورزی خصوصاً پسته را به‌اختصار توضیح دهید.

من علیرضا شیخانی هستم. سمت فعلی‌ام در استان قم، در اتاق بازرگانی، رئیس کمیسیون کشاورزی و صنایع تبدیلی است. امسال شانزدهمین سال است که من در این اتاق به این کار مشغول هستم و سابقه کاری‌ام در اتاق از اول همین بوده‌است. تحصیلات من در زمینه کشاورزی و در رشته باغبانی است؛ فارغ‌التحصیل این رشته در سال ۱۳۴۶ هستم. ۲۰ سال است که باغدار پسته هستم. علاوه بر این، این افتخار را دارم که در کارگاه‌های آموزشی پسته در شهرستان‌های مختلف در مناطق پسته‌خیز به‌عنوان مدرس باغ‌سازی و احیای باغات پسته حضور داشتم.

؟ تیم انجمن مهرماه امسال به استان قم سفر کرد و آنجا متوجه شدیم که آمار سطح زیر کشت و مقدار تولیدی که انجمن از پسته این استان دارد با آمار اعلام شده در جشنواره پسته قم متفاوت است. نظر شما در این مورد چیست و منشأ این تفاوت را چه می‌دانید؟

من فکر می‌کنم آن عدد قبلی ۴ هزار و ۵۰۰ هکتار متعلق به خیلی وقت پیش است و قدیمی شده‌است. حقیقت این



در استان قم به‌خاطر شوری و نمک بالا نتوانسته‌اند همه باغات را تحت سیستم آبیاری تحت فشار که آب کمتری مصرف کنند، ببرند. البته یکی، دو باغ داریم که به روش زیرسطحی آبیاری می‌شوند. اما از این ۱۴ هزار هکتار، بدون اغراق حداقل ۱۲ هزار هکتار آن به‌صورت سنتی که همان غرقابی باشد، آبیاری می‌شود.

است که آمار رسمی که من الان دارم و دو، سه بار هم چک کردم و هر سال این مطلب را دو بار چک می‌کنم، یکی در زمان بهار و دیگری پس از برداشت محصول که نشان‌می‌دهد سطح نگران‌کننده ۱۴ هزار هکتار به‌صورت خرده مالکی در این استان زیرکشت پسته است؛ یعنی ۱۴ هزار هکتار یکجا نیست و دو هکتار، بیست هکتار و ده هکتار دارد. امسال ۱۴ هزار هکتار زیرکشت بوده که از این میزان حدود ۸ هزار هکتار آن بارور شده و حدود ۶ هزار هکتار هنوز بارور نشده که ظرف چهار سال آینده زیر بار می‌رود. طبق آخرین آمار امسال ۷ هزار و ۵۰۰ تن پسته خشک در این استان برداشت شده‌است.

منبع آمار شما کجاست؟

این آمار توسط مدیریت باغبانی سازمان جهاد کشاورزی استان قم ارائه شده‌است.

به نظر شما چرا سطح زیرکشت پسته در استان قم افزایش یافته است؟

متأسفانه، مردم طی هفت، هشت سال اخیر به‌خاطر کم‌آبی، تغییر اقلیم، برچیده شدن یونجه و نکاشتن بسیاری از اقلام زراعی و از سوی دیگر به‌دلیل جهش قیمت پسته به کاشت این محصول روی آوردند. کشاورزان و زارعینی که اطلاعات کمی از صنعت پسته داشتند آمدند و زراعت‌شان را زیر کشت پسته بردند. بعضی از این کشاورزان که باغ پسته ایجاد کردند، اصلاً از شناسنامه پسته و کم و کیف آن هیچ اطلاعی نداشتند و فقط شنیده‌بودند که هر کیلو پسته را فلان قیمت می‌خرند. امروز حدود ۸ هزار هکتار باغ بارور داریم که اغلب آنها جوان هستند و طی هفت، هشت سال اخیر کاشته شده‌اند. از این ۸ هزار هکتار بارور حدود ۴ هزار و ۵۰۰ هکتار آن متعلق به ۱۵ سال پیش است و جزو باغات قدیمی هستند. به‌طورکلی، مردم به‌خاطر کم آبی و مقداری هم به دلیل تحریک شدن حس اقتصادیشان با حضور پسته‌کارهای کرمانی و رفسنجانی در این منطقه به کاشت پسته روی آوردند. متأسفانه خرده مالکی که دشمن اقتصاد کشاورزی است در اینجا نیز رایج شده‌است.

شما با توسعه کشت پسته مخالف هستید؟

من به‌عنوان یک فرد پسته‌کار که طی ۲۰ الی ۲۵ سال گذشته همه رشته‌های دیگر کشاورزی مثل انگور که تخصص در آن داشتم را کنار گذاشتم و اختصاصاً روی پسته کارکرده‌ام و پسته‌کاری‌های جهان را هم دیده‌ام، با روند فعلی مخالف هستم. البته ادعا ندارم که به اندازه بسیاری از آقایان در مورد پسته می‌دانم. اما با توسعه پسته در استان قم به مساحت ۱۴ هزار هکتار به‌شدت مخالفم و آینده‌اش را خطرناک می‌بینم؛ هم به‌دلیل وضعیت آبی و هم اقلیمی.

ممکن است در مورد دلیل مخالفت‌تان بیشتر توضیح دهید؟

در عوام این رایج شده که پسته یک درخت سخت‌جان است که آب نمی‌خواهد، غذا نمی‌خواهد، رسیدگی کمی می‌خواهد و متعلق به منطقه کویر است؛ غافل از اینکه درست نیست، پسته اولاً درخت کم‌آبی نیست و اگر به درخت آب خوبی بدهید، خیلی خوب پسته می‌دهد و گیاهی است که امروز در آذربایجان و کردستان هم که کویری نیستند کاشته شده‌است. بله، پسته سخت‌جان است، ولی این‌طور نیست که آب نخواهد؛ مخصوصاً در سال‌های قبل از باردهی، آب می‌خواهد. اما استان قم استان کم آبی است.

در استان قم به‌خاطر شوری و نمک بالا نتوانسته‌اند همه باغات را تحت سیستم آبیاری تحت فشار که آب کمتری مصرف کنند، ببرند. البته یکی، دو باغ داریم که به روش زیرسطحی آبیاری می‌شوند. اما از این ۱۴ هزار هکتار، بدون اغراق حداقل ۱۲ هزار هکتار آن به‌صورت سنتی که همان غرقابی باشد، آبیاری می‌شود.

میانگین آب مورد نیاز سالانه برای پسته در هر هکتار حدود ۹ هزار مترمکعب است، شما ۱۴ هزار هکتار را در ۹ هزار مترمکعب ضرب کنید تا ببینید به چه رقم بزرگی



از آب نیاز داریم. درحالی‌که پسته از سال دهم تازه باردهی آن شروع می‌شود و سال پانزدهم شروعِ باردهیِ خوب‌اش است. پسته قرار است سی سال بعدی را هم بار بدهد. مگر تفضل خداوندی باشد که با این وضع تغییر اقلیمی که ما داریم و مخصوصاً امسال خودش را به‌خوبی نشان داده برای هر هکتار ۹ هزار مترمکعب در ده سال آینده آب داشته‌باشیم!

من باغ سازم و تخصصم باغ‌سازی است؛ یکی از آیتم‌هایی که قبل از احداث باغ در نظر گرفته می‌شود یک بک‌گراند پانزده سال گذشته از اقلیم است؛ این باغی که احداث آن را شروع می‌کنید ده سال دیگر هوای آن چه می‌شود؟ آب آن چه می‌شود؟ خاک آن چه می‌شود؟

دغدغه‌های شما شامل اقلیم، آب و عدم آشنایی کشاورزان قمی با مقوله باغبانی پسته بود؛ به‌جز این موارد چه مشکلاتی در رابطه با توسعه کشت پسته در قم می‌بینید؟

من نه تنها آینده پسته در قم، بلکه در ایران را خطرناک می‌بینم. پسته قم ۱۴ هزار هکتار است و حتی از نظر سطح زیرکشت در مرتبه هفتم هم نیستیم و مسائلی که می‌گویم فقط منحصر به قم نیستند.

نکته قابل توجه دیگر که برای همه پسته ایران مهم است، این است که امسال حدود یک میلیون تن پسته قابل عرضه در دنیا وجودداشته‌است. ما سال قبل حدود ۱۱۰ هزارتن پسته برداشت کردیم و آخر سال حدود ۳۰ هزارتن مانده انبار داشتیم؛ این ۳۰ هزارتن مانده انبار سال قبل باید با ۲۱۰ هزارتن امسال اضافه شود که جمعاً می‌شود ۲۴۰ هزارتن پسته؛ مصرف داخلی ما نمی‌تواند بیشتر از ۱۵ درصد محصول باشد، مابقی ۲۰۰ هزارتن آن را باید در بازار جهانی بفروشیم.درحالی‌که ما ۳۰ هزارتن مانده از سال قبل داریم، رقیب آمریکایی ما ۶۰۰ هزارتن وارد بازار می‌کند؛ قیمت جهانی را او مشخص می‌کند، عرضه را او مشخص می‌کند، جهت بازار را او مشخص می‌کند؛ از این طرف ما که تحت تحریم هستیم چگونه می‌توانیم این پسته را بفروشیم؟ فقط آب نیست، مشکلات اقتصاد و بازار جهانی پسته هم هستند.

یعنی میزان تقاضا برای پسته ما کم است؟

بله، وضعیت باغ ریزی پسته در جهان را ببینید. هنوز باغات پسته در کشور چین بارده نشده‌اند؛ اگر باغات چین به باردهی برسد دو کشور چین و هند که خریداران اصلی پسته ما هستند مسلماً حداقل سی درصد از ما کمتر خواهند خرید.

مگر چینی‌ها هم تولید پسته دارند؟

حتم دارم که پسته کاشته‌اند. سطح زیر کشت‌شان را نمی‌دانم چقدر است. دقیق نگفته‌اند، من هم نمی‌دانم، شاید انجمن پسته بداند! چینی‌ها آدم‌هایی هستند که همه چیز را مخفی و رازگونه نگه می‌دارند و هیچ‌موقع این عدد را نمی‌گویند و ما نمی‌فهمیم چقدر پسته دارند.

چقدر احتمال می‌دهید که در کشور چین سطح زیادی پسته کاشته شده‌باشد؟

به‌طور حتم و یقین کاشته‌اند، خوب هم کاشته‌اند و حتی از همین ایران بذرهای‌شان را بردند و کارهایش را کرده‌اند، ولی هنوز به باردهی نرسیده‌اند. اگر درختان‌شان بارور شود به خودکفایی نمی‌رسند، ولی به‌طور حتم خریدشان از ما کمتر می‌شود.

ما الان بازار اروپا را تقریباً از دست داده‌ایم و درصد کمی از آن را داریم. بازارهای اصلی فروش محصول‌مان آسیای مرکزی، چین، هند، امارات و همین کشورهای اطراف است.

شما می‌دانید در کدام استان‌های چین کاشت پسته انجام شده‌است؟

در قسمت‌های بیابانی‌اش، تقریباً به‌طرف آسیای میانه، به‌طرف مرز قزاقستان و استان‌های خشکشان و بخشی از استان‌های مرکزی‌شان که کویری است.

پس شما توصیه نمی‌کنید استان قم و سایر استان‌های ایران زیر کشت پسته برود و توسعه پیدا کند؟

اجازه دهید مثالی برای شما بزنم، بعد از انقلاب یک نهضت برای تولید سیب درختی شروع شد؛ سیب‌های «گلدن» و «رِد» در ایران چه بازاری پیدا کرد و کاشت سیب معروف به سیب لبنانی، مخصوصاً در استان آذربایجان غربی رونق گرفت. مردم باغات زیبا و بارده و سود ده انگور را از بین بردند و تبدیل به سیب کردند. من آن‌موقع جوان بودم، برای یک روزنامه محلی مقاله نوشتم و گفتم ای کسانی که دارید روی پشت بام خانه‌تان هم باغ سیب می‌کارید، آیا فکر آینده و بازار آن را کرده‌اید؟ آن‌زمان کسی گوش نداد، وزارت کشاورزی هم که هیچ اهمیتی نمی‌داد، غافل از اینکه میزان آبی که سیب می‌خواهد با میزان آبی که انگور می‌خواهد متفاوت است و ما در اقلیمی هستیم که از هزاران سال پیش گفته‌اند که ایران در فلاتی قرار دارد که نیمه خشک است؛ البته آذربایجان بارندگی‌اش خوب بود. علاوه بر این، طی دو سال همه ایران فهمیدند و سیب‌ها را کنار خیابان تپه کردند و حتی گاو و گوساله هم این سیب‌ها را نمی‌خوردند. جدای از اینکه پسته قابلیت انبارداری بالایی دارد و مثل سیب نیست، اما اگر پسته مثل سیب بود سی هزار تنِ سالِ گذشته را باید کنار خیابان می‌ریختیم.

اگر واقعیت را بپذیریم و با شرایطی که فعلاً داریم پیش برویم، شما راه‌حل‌تان برای کم‌اثرکردن مشکلاتی



که بیـان کردید چیسـت؟

۱ مدیریـت! مدیریـت فقط این نیسـت که میز و صندلی و اتاق خوشـکل داشته‌باشـیم. مدیریـت رفتـن بـه جامعـه پسـته و گفتـن حقایـق به پسـته‌کاران و سـرمایه‌گذاران این بخـش اسـت. من تفضـل خداونـدی را قبول دارم و نگویید شـیخانی آدم منفی است، ولی اگـر شـرایط اقلیـم و آنچـه جـو و مطالعـات هواشناسـی بـه مـا می‌گویـد ایـن باشـد، ما سـال بـه سـال رو بـه خشـکی می‌رویـم. کم بارشـی خواهیم داشت، یعنی بخش عظیمی از مناطـق پسـته‌خیز درگیـر خواهندشـد و بخشـی از باغات پسـته استان کرمان خشک و تخلیـه خواهنـد شـد، الان عمـق چاهـی کـه می‌زننـد بیـش از ۲۵۰ متـر اسـت؛ ایـن یعنـی آب نیسـت و بایسـتی مدیریت کنند.

۲ از گسـترش بی‌رویـه پسـته‌کاری و باغ‌ریـزی در مناطقـی کـه اسـتعدادش را ندارنـد جلوگیری کنیـم، از جمله در اسـتان قـم. اسـتان قـم پتانسـیل داشـتن ۱۴ هـزار هکتـار بـاغ پسـته را نـدارد. به‌هرحال پسـته کاشـته شـده، اگر بیـش از ایـن بکارند عرض خـود می‌برند و زحمت خـود می‌دارند! یعنی آبـی در ده سـال آینـده نخواهنـد داشـت که بـه باغ‌هـا بدهنـد. ایـن حـرف مـن نیسـت. ایـن حـرف بـزرگان علـم آب اسـت. بروید از آنهـا بپرسـید و بگوییـد چـاه مزرعـه من ۸۵ متـر بـوده و الان رسـیده به ۱۲۰ متـر! پروانه ۳۰ لیتـری الان ۱۵ لیتـر هـم آب نـدارد. در جـاده قدیم کاشـان عمـق چاه بیـش از ۲۵۰ متر اسـت، در آنجا می‌خواهند پسـته بکارند! کیفیـت آب از شـوری گذشـته و بـه تلخـی رسیده‌اسـت.

دولـت، وزارت جهاد کشـاورزی و دانشـگاه‌ها بایـد روی ایـن موضـوع کار کننـد؛ وگرنـه اسـتعداد و پتانسـیل ما در کشـت پسـته در ایـران بیـش از ایـن ۴۵۰ هـزار هکتار پسـته فعلی نیسـت.

۳ پـس راه‌حـل شـما منع گسـترش سـطح زیر کشـت پسـته اسـت؟!

۱ - نکاشـت؛ یعنـی دیگـر بیـش از این زیر کشت نرود. ۲- مدیریت کنند. ۳- برای همین وضـع موجود هـم بازاریابـی کننـد. بازاریابی کار تولیدکننـده نیسـت. بازاریابـی و اقتصـاد جـزو علوم هسـتند و وظیفـه سـازمان‌هایی مثـل توسـعه تجـارت، وزارت خارجـه و اتـاق بازرگانـی اسـت کـه بازاریابـی کننـد. شـما با انجمن پسته و سـازمان توسعه تجارت تماس بگیرید و بپرسید این مازاد ۲۰۰ هزارتن را کجا باید فروخت؟ آیا با حضور پسـته آمریکا در بـازار چیـن، هنـد، آسـیای میانـه و امـارات جایـی برای فـروش پسـته ایـران وجـوددارد؟!

۴ بـه نظر شـما افزایـش بهـره‌وری و تولیـد برای کاهـش قیمت تمام شـده چه جایگاهـی دارد؟

اصـل قضیـه ایـن اسـت کـه مـا بتوانیـم بـا ایـن ۹ هـزار مترمکعـب آبـی کـه می‌دهیـم بیـش از ۷۰۰ کیلـوی فعلی برداشـت کنیم؛ آمریکایی‌هـا همیـن مقـدار آب را می‌دهنـد و ۳ تـن برداشـت می‌کنند.آمـوزش بهره‌وری و مدیریـت رکـن اساسـی کار هسـتند. مـا در قـم باغـی داریـم کـه همیـن آب، خاک و اقلیـم را دارد و ۳ تن پسـته خشـک از هکتار برداشـت می‌کند؛ موفـق اسـت، نزدیک صد هکتار باغ اسـت. بهـره‌وری و اصول نگهداری و پرورش باغ پسـته سـواد و دانش می‌خواهد و ایـن وظیفـه سـازمان‌های ذی‌ربـط اسـت. بازدیدهای دوره‌ای از مناطق پسـته‌خیزی که موفـق هسـتند می‌تواند به افزایـش بهره‌وری کمـک کند. دو سـال پیش مـن یک گروهی از پسـته‌کارهای قـم را کـه ادعا هم داشـتند بـا همـکاری انجمـن آوردم به اسـتان کرمان جهت بازدید. در انتهای منطقه رفسـنجان در دشـت نـوق تـا آن‌طرف دنیـا همـه‌اش کویر لـوت بود! در شـهریورماه درسـت در حاشـیه مجـاور کویر لوت ما از باغات پسـته‌ای بازدید کردیم که درختان پسـته بارور آن از شـادابی مثـل اردیبهشـت بودنـد. حداقـل تخمین ما ایـن بـود کـه هر هکتـار بـالای ۲ تن پسـته خشک دارد. مدیریت آن باغ خیلی خوب بود. یکی از کارهایی که من در کمیسیون کشاورزی می‌کنـم بازدید از مناطق توسـعه‌یافته و پایدار اسـت و مدیریـت در آنجـا خوب اسـت. عکس قضیه هم وجوددارد؛ جاهایـی را بازدید کرده‌ایم که موفق نبودند و پسته‌شـان از بین رفته‌است. بـه نظـرم برگـزاری کلاس‌هـای آموزشـی و دوره‌هـای آموزشـی کوتاه‌مدت خوب هسـتند.

۵ بـرای برون‌رفـت از وضـع موجود چه راه‌حلـی می‌توانیـد ارائه دهید؟

در همین هفته بـه یکی از گلخانه‌های مدرن ایـران در اسـتان زنجـان می‌رویـم؛ ۵۰ هکتار گلخانـه مـدرن شیشـه‌ای آنجـا وجـوددارد. یکـی از کارهایـی کـه داریـم پیـش می‌بریم تغییـر الگـوی کشـت اسـت. طـرح الگـوی کشـت را کمیسـیون کشـاورزی از هشـت سـال پیش شـروع کـرد و پایلوت گذاشـتیم. بـه ایـن نتیجـه رسـیدیم کـه هفت، هشـت واریته بیشـتر در اسـتان قـم از نظر اقتصادی

قابل کشت نیست؛ مثلاً یونجه را نتوانستیم حذف کنیم، چون یونجه برای کشاورزها حکم اقتصاد معیشتی دارد، ولی سطح زیرکشت آن را پایین آوردیم و از گسترش آن جلوگیری کردیم و موفق هم بودیم. الگوی کشت می‌گوید کشت «تریتیکاله» بهتر است و حتی کشاورز دنبال گندم هم نمی‌رود. ما آهسته داریم زراعت را به کشت گلخانه‌ای تبدیل می‌کنیم. ولی انجام این کار برای باغات مشکل است، مگر اینکه باغدار به این نتیجه برسد که باغش آب ندارد و مجبور است درختش را دربیاورد و به سوی گلخانه برود.

؟ این کار در تمام ایران عملیاتی شده است؟

اینکه دارم به شما می‌گویم در حد مطالعه است و هنوز به‌صورت عملی و همه‌گیر درنیامده‌است. یکی از راهکارها تغییر الگوی کشت است؛ مثلاً تغییر کشت به گل محمدی و یا به عناب و به گیاه دیگری که استعداد و پتانسیل کم‌آبی و خشکی را داشته‌باشد، اما این کار هنوز در حد مطالعه است. مثلاً درخت عناب در منطقه بیرجند که اقلیمش خیلی بدتر، گرم‌تر، کم‌آب‌تر و شورتر از قم است، محصول خوبی دارد. به‌طورکلی، ما در این طرح گلخانه را صد در صد به زراعت و امثال یونجه ترجیح داده‌ایم و الان در پروژه‌مان حدود ۶۰ هکتار گلخانه ظرف چهار، پنج سال گذشته ساخته‌ایم و داریم به سمت احداث ۱۰۰، ۱۲۰ هکتار گلخانه می‌رویم.

؟ آیا مطالعات کشت گلخانه‌ای انجام شده است؟ مزیت آن چیست؟

اولین مزیت کشت گلخانه‌ای نیاز به آب کم است. کشت‌های گلخانه‌ای در ایران اغلب صیفی‌جاتی مثل فلفل دلمه‌ای، بادمجان، کدو، هندوانه و خربزه هستند. مزیت اولش مصرف کم آب است. یک مثال می‌زنم، یک هکتار گوجه فرنگی در منطقه مستعدی مثل جیرفت، در فضای باز بیش از ۱۲ هزار مترمکعب آب نیاز دارد و در حالت خوشبینانه ۴۵ تا ۵۰ تن محصول می‌دهد، ولی در یک هکتار گلخانه با حداکثر ۵ هزار مترمکعب آب می‌توان تا ۲۰۰ تن گوجه فرنگی برداشت کرد. البته الان سرمایه‌گذاری اولیه در گلخانه هم بالای دو میلیون تومان است، اما مزیت آن مصرف پایین آب و دوم بهره‌وری بالا، سوم امنیت داشتن از آفات و بیماری‌ها و عوامل نامساعد طبیعی است.

؟ در دنیا چقدر تمایل به سمت کشت‌های گلخانه‌ای وجوددارد؟ آیا این موضوع مطالعه شده‌است؟

بله، مطالعاتی برای هلند انجام شده‌است. هلند خاک ندارد و بدترین اقلیم را دارد و الان تقریباً دارد گل جهان را می‌دهد و بخشی از صیفی اروپا را تأمین می‌کند. هلند صاحب گلخانه‌های عظیم است. نمونه دیگر کشور روسیه است. امروز یکی از تهدیدها برای بازار محصولات گلخانه‌ای ما روسیه است؛ روسیه به‌شدت در استان تاتارستان و در حاشیه رودخانه ولگا نزدیک مرز آذربایجان و ایران به احداث گلخانه‌های مدرن روی‌آورده و ظرف یکی، دو سال آینده حداقل سی، چهل درصد مصرف صیفی داخلی خودش را تأمین خواهدکرد. این خطر بزرگی برای اقتصاد ما است، چون بازار اصلی ما روسیه است.

؟ قیمت تمام شده محصول در کشت گلخانه‌ای با کشت‌های معمولی قابل رقابت است یا خیر؟

در بلندمدت، بله. این نوع کشت را باید در یک پروسه ده ساله دید. اقتصاد کشاورزی ساختمان نیست که دو سال کار کنیم و سه برابر قیمت بفروشیم. بازده سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی بین هفت الی ده سال است. اگر خوب مدیریت شود ظرف هفت سال سرمایه ما را برمی‌گرداند.

؟ اما گلخانه آب شیرین می‌خواهد. درست است؟

بله، یکی از آیتم‌هایی که در ساخت گلخانه مطالعه می‌شود شیرین‌سازی آب قبل از ورود به گلخانه برای مناطقی است که آب شور است. شوری مجاز آب در کشت گلخانه‌ای حدود هزار میکروموس است.

؟ با توجه به شوری آب و هزینه‌های بالای شیرین‌سازی آب و از سوی دیگر قطعی‌های مکرر برق و اینکه قطع کردن گاز نیز محتمل است، شما فکر می‌کنید سرمایه‌گذاری روی گلخانه‌ها مخاطره‌آمیز نیست؟

چندی پیش دو مسئول گاز و برق استان قم را به کمیسیون کشاورزی اتاق دعوت کردیم و آنها را مورد سوال قراردادیم که شما به چه دلیل برق و گاز را قطع می‌کنید؟ و فکر نمی‌کنید که شش ساعت قطعی گاز یا برق چه ضرری به گلخانه می‌زند؟ گفتند می‌دانیم، اما کمبود داریم! مدیر اداره گاز می‌گوید من فقط دستور دارم که گاز خانگی را قطع نکنم و بعد دستور دارم گلخانه‌ها را قطع نکنم؛ می‌گویند گاز خانگی و گلخانه‌ها در اولویت ما هستند، ولی وقتی لودر لوله گاز را تخریب می‌کند این قطعی شش، هفت ساعته تقصیر من نیست. بله، یکی از آیتم‌هایی که باید قبل از احداث گلخانه مطالعه شود تأمین انرژی است. گلخانه‌های بزرگ که بالای ده هکتار هستند باید موتور اضطراری و سوخت دوم تدارک ببینند. در طراحی گلخانه‌های بزرگ مصرف انرژی را مطالعه می‌کنند و هزینه هم می‌کنند. امروز قیمت یک موتور ژنراتور دیزل چند میلیارد تومان است، ولی در احداث یک گلخانه که هر متر ش سه میلیون تومان هزینه دارد همه این مسائل را در نظر می‌گیرند.

اولین مزیت کشت گلخانه‌ای نیاز به آب کم است. کشت‌های گلخانه‌ای در ایران اغلب صیفی‌جاتی مثل فلفل دلمه‌ای، بادمجان، کدو، هندوانه و خربزه هستند. مزیت اولش مصرف کم آب است.

تولید محصولات گلخانه‌ای مهارت خاصی هم نیاز دارد!

بله. امروز گندم‌کاری هم مهارت می‌خواهد. بنده متخصص باغبانی هستم، اگر به من بگویند برو و یک مزرعه گندم را اداره کن، من بلد نیستم. من که عرض کردم قبل از اقدام به هر سرمایه‌گذاری حتی خرید یک ماشین پراید باید با چهار نفر صحبت کنید و مطالعه صورت بگیرد. مطالعه برای گلخانه فقط این نیست که گلخانه را از نظر زاویه تابش خورشید و باد غالب بررسی کنید، بلکه انرژی، برق، آب، وجود علم و دانش و مهارت را هم باید لحاظ کرد.

وجود سوبسیدهای انرژی در کشور را چقدر در سودآوری گلخانه‌ها سهیم می‌دانید؟

چاره‌ای نیست، ما یک پدیده‌ای داریم به نام امنیت غذایی و بعضی از چیزها را بایستی دولت کمک کند و سوبسید بدهد تا امنیت غذایی تأمین شود. امنیت غذایی دست کمی از امنیت مرزها ندارد؛ در بعضی از نقاط وظیفه دولت است که کمک کند و سوبسید بدهد. فرانسه و ژاپن جزو کشورهای ثروتمند هستند، من به‌طور حتم و دقیق می‌دانم که در این دو کشور روی لبنیات و شیر تا ۵۰ درصد به دامدار سوبسید می‌دهند؛ چون می‌دانند امنیت‌شان در خطر است؛ چون اگر برای شیر سوبسید ندهد باید برای کم‌خونی و پوکی استخوان و از این قبیل بیماری‌ها بیمارستان بسازد که هزینه‌اش خیلی بیشتر از این ۵۰ درصد سوبسید است. دولت وظیفه دارد به‌خاطر امنیت غذایی در امر گلخانه، آموزش گلخانه‌داری و بازاریابی محصولات گلخانه‌ای سوبسید بدهد و حمایت کند تا کشاورز برود به سمت گلخانه، به‌خاطر اینکه آب کمتری مصرف می‌کند و به این نقطه هم خواهیم‌رسید.

درست است که گلخانه آب کمتری مصرف می‌کند، آیا از آن‌طرف مصرف انرژی گلخانه بالا نیست و مسائل زیست محیطی در پی ندارد و هزینه‌های بالاتری برای جبران آنها لازم نیست؟

اثرات زیست محیطی گاز گلخانه‌ای که مربوط به گلخانه نیست. وجود گاز گلخانه‌ای به‌خاطر سوخت‌های فسیلی است. برای تأمین انرژی گلخانه‌ها باید از سوخت‌های فسیلی استفاده کرد! ما کشور آفتاب تابان هستیم. من هر روز حداقل سی کیلومتر را با ماشین طی می‌کنم که بیابان محض است و هیچ کشت و کاری در آن نمی‌شود؛ بین قم و تهران به مساحت هزاران هکتار آماده سولار سیستم است. یعنی یک چنین نعمتی را سنگاپور ندارد، سنگاپوری که دارد روی دریا سولار سیستم می‌سازد. سرمایه‌گذاری دولتی که می‌گویم این نیست که بیاید پول تو جیبی بدهد، بلکه تأمین انرژی از طریق سولار سیستم و انرژی‌های پاک است.

به نظر می‌رسد شما یک مدینه فاضله در ذهن‌تان دارید که در آن دولت به‌جای سوبسیددادن بی‌هدف و ریخت‌وپاش کردن با برنامه‌ریزی دقیق روی تکنولوژی و زیرساخت‌ها سرمایه‌گذاری می‌کند. در واقعیت چقدر با این تفکر فاصله داریم؟

وزارت کشاورزی متولی کار کشاورزی است، من باغدار و عضو کمیسیون کشاورزی نباید این گریه را بکنم، این گریه را بایستی مدیران کشاورزی این مملکت بکنند و بیایند و کشاورزی ما را مدرن کنند. با وضعیتی که من الان در مدیران می‌بینم، چنین دغدغه‌ای در آنها وجودندارد. من در مدیران کشاورزی‌مان بلندنظری نمی‌بینم؛ آینده‌نگری در بخش کشاورزی و امنیت غذایی را در آنها نمی‌بینم. مدیران کشاورزی ما برای بهبود کشاورزی و پایداری آن و تغذیه ۱۰۰ میلیون نفر در ۲۰ سال آینده هیچ برنامه‌ای ندارند.

سخن پایانی شما چیست؟

من در مورد استان خودم می‌گویم. تا آنجایی که من می‌توانم و وظیفه‌ام در کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی قم است: ۱-بایستی از افزایش ۱۴ هزار هکتار باغ پسته جلوگیری شود. ۲- در استان قم تا می‌توانند به‌طرف گلخانه‌ای بروند و از مصرف آب بکاهند. ۳- برای همین محصولات فعلی‌مان، یعنی برای همین ۷ هزار و ۵۰۰ تن، ترمینال پسته و بسته‌بندی راه بیاندازند و بازاریابی شود.

